

۷ پرده از استقلال استراماچونی و مجیدی

او قرار نبود استراماچونی باشد



۳

پروژه ناتمام و شکست خورده

استراماچونی رفت اما استقلال در ماجرای او نشان داد که برای یک پروژه حرفه‌ای با یک مربی مثل استراماچونی ضعف‌های پرشماری در مدیریت دارد و نمی‌تواند چنین پروژه‌ای را پیش ببرد و به همین بن‌بست‌هایی می‌رسد که رسید. برای باشگاهی مثل استقلال با این مدیریت آماتور همکاری با مربیان خارجی و قراردادهای بین‌المللی حاصلی جز خسارت‌های بزرگ ندارد. حالا استقلال مانده و قرارداد دو مربی در سال‌های اخیر و انبوهی از بدهی. هم شفر یک طلبکار بزرگ از استقلال است و هم استراماچونی به لیست طلبکاران اضافه شده و هیچ‌کس نمی‌داند این بدهی‌ها چه سرنوشتی برای استقلال می‌سازند.

بحران مدیریت در باشگاه‌ها منجر به غرق شدن در بدهی‌ها شده و غیرمتعهد بودن باشگاه‌ها در مسائل مالی، خسارت‌های سنگین به بار می‌آورد. این روند حاصلی جز ورشکستگی ندارد و استقلال نمی‌تواند انکار کند که در آستانه‌اش ایستاده است.

چه با استراماچونی و چه بدون او، مسأله مهم‌تر در باشگاه‌داری، نوع نگاه مدیران به روش‌های مدیریت در باشگاه است، همان‌چه هواداران به هزار و یک زبان گفته‌اند.

۲

روزگار آشفته استراماچونی

آنچه برای آندره‌آ استراماچونی در باشگاه استقلال حیرت‌آور است، او را عصبانی می‌کند و تا آنجا او را پیش می‌برد که دل از تمرین دادن تیمش بکند، برای مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره استقلال نه حیرت‌آور است و نه آنها را عصبانی می‌کند.

فوتبال ایران به همین سادگی حس حیرت و عصبانیت خود را مقابل اشتباهات و نارسایی‌های اداری و مدیریتی از دست داده و دوست دارد به تماشاگران و روزنامه‌نگاران نیز یاد بدهد که حیرت نکنید، عصبانی نشوید، چیزی نیست، ما مشغول کار خود هستیم و تا ابد می‌خواهیم با همین ساز و کار پر از مسأله مدیریت کنیم.

استراماچونی در دریافت دستمزد خود دچار مشکل شده و بخشی از این مشکل البته به تحریم‌های بانکی ایران مربوط است و باشگاه استقلال را نیز دچار همان مشکل عمومی برای شرکت‌ها و هر نهاد ایرانی در مراودات مالی بین‌المللی کرده اما مدیریت باشگاه استقلال از توضیح صادقانه، دقیق و دور از وعده‌های بیهوده به سرمربی‌اش عاجز است. استراماچونی هنوز رابطه‌ای مستقیم و بی‌واسطه با مدیرعامل باشگاه ندارد. آنها نشست‌های موفقی را برای گفت‌وگو برگزار نکرده‌اند و این استراماچونی را به تمام مسائلی که برایش پیش می‌آید، بدبین کرده است. باشگاه استقلال از ابتدای ورود استراماچونی به باشگاه استقلال هنوز نتوانسته رابطه مدیریت و سرمربی را تنظیم کند.

آخرین وعده باشگاه استقلال این است که این مشکل جدید را که منجر به قهر استراماچونی شده، حل می‌کند اما نه استراماچونی خوشبین است و نه تماشاگران باور دارند که بعد از این دوباره بحران‌ها بین باشگاه و سرمربی ساخته نشود.

استقلال بهترین روزهایش را پشت سر می‌گذارد. تیم به صدر جدول رفته و مهم‌تر اینکه نمایش‌هایی تماشایی را هر هفته به رخ تماشاگران می‌کشد. حفظ این ریتم از مسئولیت‌های مدیران باشگاه است، همان هیأت مدیره‌ای که مسئولیت‌هایش را نمی‌شناسیم و همان مدیرعاملی که نتوانسته اعتماد را در اندازه‌ای قابل قبول بین خود و هوادار برقرار کند.

این اختلالات سرانجام تیم را از حرکت به سوی رویاهایش باز می‌دارد و در یکی از این قهر و آشتی‌ها، یکبارہ خواهیم دید که از استراماچونی خبری نیست. قوانین مالی بین‌المللی در فوتبال با این بدعهدی‌ها تعارف ندارد و فرصت فسخ یکطرفه و خسارت را به مربیان و بازیکنان می‌دهد.

۱

روایت روزهای تیم‌سازی استراماچونی

استراماچونی از هیچ چیز راضی نیست. اغلب گله و شکایت دارد یا از نوع رفتار و حرف‌هایش می‌توانید حدس بزنید که ناراضی است اما بخشی از این ناراضیاتی سیاست مربیگری اوست، سیاستی که می‌تواند استقلال را به شرایطی بهتر برساند. او به درستی با اعلام ناراضیاتی، باشگاه را ترغیب می‌کند تا امکان و فرصت بهتری را برای تیم فراهم کند.

استراماچونی به روش خودش با بازیکنان ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ای دارد. اغلب بازیکنان تیم استراماچونی را بسیار دوست دارند، با تمریناتش نه تنها خو گرفته‌اند، بلکه باورشان کرده‌اند و می‌دانند که روند جذابی را با استراماچونی پشت سر خواهند گذاشت. تمرینات استراماچونی رویه‌ای تاکتیکی و توأم با خوشفکری دارد و از نظر بدنی نیز استقلال با دو بازی ۱۲۰ دقیقه‌ای در جام حذفی نشان داده که دچار مشکلی نیست. بازیکنان نیز از تمرینات خود لذت می‌برند. استراماچونی توانسته با تمریناتش موجی تازه در تیم بسازد و بازی مورد نظرش را بخواهد اما تبدیل کردن این رویه به نتیجه همان چیزی است که در آینده باید درباره‌اش حرف زد.

استراماچونی باید باور بازیکنانش به تمرینات را به نمایش برنده و تیغ‌دار در لیگ تبدیل کند و این البته به زمان بیشتری نیاز دارد. استراماچونی دوست دارد تیمش دائم در زمین کنش و واکنش داشته باشد، دائم بجنگد و از داور نترسد و حتی گاهی خشونت‌ی ورزشی را در نمایش خود بگنجاند. تبدیل این خواسته به نمایشی واقعی در میدان نیز به زمان و تمرین و تمرین نیاز دارد.

استقلال و استراماچونی تجربه‌های تازه‌ای را با هم پشت سر می‌گذارند. شاید خیلی زود نتیجه این تجربه‌ها استقلال دیگری را بسازد که با هفته‌های آغازین لیگ متفاوت است.

بله، استراماچونی این روزها را طی کرد و تا صدرنشینی پیش رفت.

استقلال آندره‌آ استراماچونی و استقلال فرهاد مجیدی، اولی با امضای شفاف یک مربی و دومی در پی ساختن یک امضا برای تیم. ۷ پرده از ماجراهای این دو استقلال را بازخوانی کنیم، آنچه در فصل جاری بر استقلال گذشت و این تیم را به‌جا گذاشت؛ تیمی که در همین فصل اوج امیدواری و اوج ناامیدی را تجربه کرد.

فوتبال ایران به همین سادگی حس حیرت و عصبانیت خود را مقابل اشتباهات و نارسایی‌های اداری و مدیریتی از دست داده و دوست دارد به تماشاگران و روزنامه‌نگاران نیز یاد بدهد که حیرت نکنید، عصبانی نشوید، چیزی نیست، ما مشغول کار خود هستیم و تا ابد می‌خواهیم با همین ساز و کار پر از مسأله مدیریت کنیم